



خبرنامه

■ بوکان ، غاری در چشم جمهوری اسلامی .

■ پیام "جمعیت دمکراتیک معلمان ... " به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۰-۶۱

■ عید قربان (نخستین شهیدان اخیر) روزگوا میداشت قربانیان راه آزادی و انقلاب

پس از ۵ روز نبرد و مقاومت : دفاع سرسختانه پیشمرگان و

مردم مسلح از بوکان همچنان اوامر دارند .

پیشمرگان کومه له که با فداکاری گیم نظیری در تمام جبهه ها به دفاع از این شهر پرداخته اند :

- پایگاه سلطان (در مسیر بوکان - سقز) را در هم کوبیدند ، و طی نبرد متهورانه و تن به تن در داخل سنگرهای دشمن ، بیش از ۳۰ تن از مزدوران را به هلاکت رساندند .
- طی چندین نبرد متوالی در جاده - میاندوآب - بوکان ضربات سختی بر نیروهای دشمن وارد ساختند .

در صفحه ۶

اشتراک آشکار به گشتار و مردم افشاگر وحشت رژیم از انقلاب توده ها .

این روزها رژیم رسوا و جنایتکار جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را متوجه اعدا م و گشتار انقلابیون در سراسر ایران نموده است . روزی نیست که ۳۰-۴۰ و گاهی حتی بیش از صد نفر از انقلابیون را به رخنه اعدا م نسیارد . این اعدا امهای دسته جمعی بی دریغی در هفته با اصطلاح بزرگداشت جنگ ایران و عراق به اوج خود رسیده و همچنان ادامه دارد .

در هفته ای که گذشت رژیم با برآه انداختن هیاهود رباره اولویت جنگ با عراق میخواست اولاً جنگ خونینی را که در جبهه داخلی طبعاً انقلابیون و مردم ستمدیده ایران برآه انداخته است بردهبوشی کند ، و ثانیاً توجه اذهان عمومی را از بحران ها و مشکلات داخلی مجدداً بسوی " جنگ با کفار " و " صدور انقلاب اسلامی " و غیره منحرف سازد . در کردستان نیز از هفته های پیش

بتمه در صفحه ۲

تعرض پیشمرگان
کومه له بر نیروهای
دشمن در جاده
تکاب - بیجار

در صفحه ۹

پیشمرگان کومه له در همیوان
۴ مزدور رژیم را به
هلاکت رسانده و اسلحه
، مهمات و مدارک آنها
را به غنیمت گرفتند .

در صفحه ۸

بقیه اعتراف آشکار...

سرکوب و جنایت رژیم با کمک مزدوران قیاده موقت ، تودها و کتیه‌ها و جاشهای خود فروخته شدت تازه‌ای یافته و موج دیگری از دستگیری و اعدام در شهرها و حمله بروسه‌تائیان به دفاع آغاز شده است که تنگین ترین آنها کشته‌ساز دسته جمعی ۱۶ نفر از کارگران کرد کورمه‌زخانه‌های میاندوآب بود . همچنین د روزهای اخیر ستونهای ارتشی و پاسداران و سواران اطراف بوکان راه قصد تصرف این شهر زیر گلوله باران توپ و خمپاره گرفته‌اند که تاکنون با ضربات کوبنده به پیشمرگان چندین بار متحمل تلفات سنگینی شده و به عقب نشینی وادار گشته‌اند .
 تمامین واقعات نشان دهنده آنست که رژیم جمهوری اسلامی از سقوط خود چنان به هراس مرگ افتاده است که ساطور قصابی اش را دیوانه و از هرسویه حرکت د آورده و تا آخرین دم حیات تنگینش دست از جنایت واد مکنشی برنمیدارد . گردانندگان مرتجع رژیم که تنها تخصص آنها هوا فربهی است ، از فرط وحشت و درماندگی چنان با وقاحت و پرده‌داری از جنایتهای خود دم می‌زنند که گوئی وظیفه هوا فربهی و ضرورت برد پوشی جنایات خود را بگلی فراموش کرده‌اند . نقل گزیده‌ای از گفته‌های این جنایتکاران می‌تواند بهترین افشاگر بحران عمومی و وضعیت روبه‌نا بودی این رژیم ارتجاعی باشد .

موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب در مصاحبه ای بمناسبت هفته جنگ میگوید :
 " می‌دانید این هفته گفته جنگ است . . . همین جنگ نبود ، جنگ دیگری هم در داخل بود . . . در این جنگ (داخلی) ما بیشتر از جگر کشیدیم (بیشتر نیرو صرف کردیم) تا جنگ صدام " (کیهان ۲۸ شهریور)

آنگاه درباره انقلابیون میگوید :
 " هرکس کوکتل بدست گرفت و در برابر نظام جمهوری اسلامی ایستاد ، اینها محاکماتان توی خیابان است و وقتی دستگیر شدند و به دادستانی رسیدند محاکمه‌شد ه‌اند و حکمشان اعدام است . . . هرکس در خیابان در درگیری و تظاهرات مسلحانه دستگیر شود پسند و معطلی همان شب د و نفر پاسدار اروپا مسردم شهادت بدهند که آنها در درگیری بود ه‌اند و طبعه نظام جمهوری اسلامی قیام کرده‌اند کافی است و همان شب اعدام میشوند " .
 (کیهان ۲۹ شهریور)

باز همین جلا د میگوید :

" یکی از احکام جمهوری اسلامی اینست که هرکس د در برابرین نظام و امام عادل (ل) بایستد کشتن او واجب است ، اسیرش را باید کشت و زخمیش را زخمی ترکرد که کشته‌شود . . این حکم اسلام است . چیزی نیست که ما تازه آورده باشیم " .

(همانجا)

همچنین کیلانی رئیس دادگاههای انقلاب اسلامی چنین میگوید :
 " اما محارب بعد از دستگیر شدن توبه اش پذیرفته نمیشود و کبفرش همان کیفری است که قرآن بیان میکند : کشتن به شد بدترین وجه ، حلق آویز کردن به فضاحت با ترتیبین حالت ممکن و دست راست و پای چپ آنها بریده‌شود . . . اسلام اجازه میدهد که اینراکند و رخیابان تظاهرات مسلحانه میکنند . دستگیر شوند و در کنار دیوار همانجا آنها را گلوله بزنند و از نظر اصول فقهی لازم نیست به دادگاه بیاورند . . . اسلام اجازه نمیدهد که بدن مجروح اینگونه افراد باقی به بیمارستان برده شود بلکه باید تمام کشته شود " .

(کیهان ۲۸ شهریور)
 سپس درباره پذیرفتن توبه میگوید :
 " پذیرفتن توبه اینها (که در حالت غیر مسلحانه دستگیر شد ه‌باشند) خیلی کار مشکلی است . مگر اینکه حاکم شرع طم پیدا کند (ل) . . . و یکی از علامت توبه این است که اسرار و مراکز سازمان و مراکز تسلیحاتی را نشان بدهند " .

(همانجا)

اما جوانان انقلابی ایران این آزوی تنگین جلا د ان جمهوری اسلامی را مبدل به یاس میکنند و داغ دستیابی به اسرار سازمانی و مراکز تسلیحاتی را بردشان می‌گذارند و در این راه اعدام بی‌محاکمه و ابجان خریدار میشوند .

لا جور دی یکی دیگر از جلا د ان رژیم آشکارا وحشت خود را از ترلزول و بمخاطره افتادن رژیم جمهوری اسلامی و هدف آنان از اعدامهای دستجمعی فوری چنین بیان میکند :

" برای اینکه دیگران از این اعدامها درس عبرت بگیرند و بدانند که اگر د تظاهرات مسلحانه دستگیر بشوند جز اعدام کبفر دیگری نخواهند داشت " .

(همانجا)

کارگران، زحمتکشان و توده‌های ستمدیده ایران!

چنانکه می‌بینید، رژیم جمهوری اسلام می‌چون دسته‌ای ویرانگر و جلاطلبان مردم میهنمان افتاده و خود نیز پیشروانه به آن اعتراف میکند. رژیم اکنون برای نجات خود، به یکی از هارترین و رسواترین رژیمهای جهان تبدیل گشته است و از هیچ کشتار و جنایتی ابا ندارد.

تمام رژیمهای سرمایه‌داری موقعی که خمود را در مملکت انقلاب ببینند و احساس کنند که یگرتوده‌ها به عوامفریبی‌های آنان پی برده و نمی‌خواهند به دیکتاتوری و تسلط آنان گردن نهند این چنین هار میشوند. این در طبیعت نظام سرمایه‌داری است که برای حفظ خود، هر لحظه آماده است جان‌ورزندگی میلیونها انسان را باز بچه‌دست خود قرارداد و آن را به نیستی و نابودی بکشد، تا زمانیکه چنین رژیمهایی برکشور حکمرانی میکنند، قلد ری و زورگویی و قتل عام و کشتار و انتظار توده‌ها است. این منطق سرمایه‌داری است و هیچ نوع عوامفریبی نمیتواند آنرا پوشیده نگاهدارد.

بنابراین برای اینکه از دیکتاتوری سرمایه‌داری رهایی پیدا کنیم باید این رژیم راسرنگون کرد و رژیمی انقلابی - دموکراتیک جایگزین آن نمائیم که نماینده واقعی توده‌های کارگر و زحمتکش میهنمان و تجلیگاه اراده انقلابی آنان باشد، باید رژیم بوسرکار آوریم که حقیقتاً از آزادی و انقلاب توده‌ها پاسداری نموده و اقدامات ضد انقلابی باند‌های سپاه و عوامل سرنهاد اران را خنثی و سرکوب نماید. باید رژیمی جایگزین این رژیم نمائیم که رفاه و آسایش و امنیت و خوشبختی برای کارگران، زحمتکشان، دهقانان، خلق‌ها و یگرتوده‌های تحت ستم بهارمغان آورد.

لیکن چنین رژیمی جایگزین رژیم جمهوری اسلامی نمیکرد مگر اینکه خود کارگران و زحمتکشان و دیگر توده‌های مبارز بیاخیزند و اراده کنند که حکومت را مستقیماً بدست بگیرند. توده‌ها باید بیشتر بمیدان مبارزه آیند، مشکل شوند و مصمم باشند که سرنوشت خویش را بدست گیرند. کارخانها، کوجه‌ها، مدارس، خیابانها، شهرها و روستاها را باید به صحنه مبارز واقعی علیه رژیم تبدیل نمود.

آری! برای نجات مردم میهنمان تنها یکراه وجود دارد و آن شرکت مستقیم خود آنان در مبارزه، سرنگون کردن رژیم بوسیله قیام و بوسرکار آوردن یک حکومت انقلابی و دموکراتیک میباشد.

در این میان خلخال هم آمادگی خود را برای خدمت "مجدد در" دادگاههای انقلاب اعلام کرد. ما است. او که باشنیدن زوزه حزب اللهی‌ها (دادگاههای خلخال ایجاد باید کرد!)، بار دیگر حرص و ولع خون آشامیش بالا گرفته، بالحن بخون تشنه جلادان میگوید:

"الته ما کار خود مان را کرده ایم و بقول معروف باز نشسته شدیم. اما بالا خره تابع امر امام هستیم. اگر ایشان بفرمایند بله ما قبول میکنیم. حالا در دادگاهها بد کار نمیکند. (یعنی خوب کشتار میکنند!) البته اگر ضرورت اقتضا کند، طوری که... رفقاً درست نتوانند تصفیه (یعنی قتل عام) بکنند یا در تشخیص مثل این که چه کسی مرتد است، چه کسی مهد و والد... در چارترید شوند ما حاضریم!"

(کیهان ۲۹ شهریور)
پیشتر هم رهانی املشی دادستان کل کشور در انتقاد از عدم قاطعیت دادگاهها گفته بود که: در صورت لزوم باید مانند امام طی روزی ۴ هزار نفر را کسار و اسیرید!

همچنین یکی دیگر از جلادان اعلام کرد بود که هیچگونه محدودیت سنی و جنسی برای اعدام وجود ندارد!

و بالاخره خود "امام" نیز که اخیراً به مدت ۱۵ روز "امت" را از فیض سخنان گوهر بار خود برون کرده بود، در پیام در ورود راز بمناسبت هفته جنگ و آغاز سال تحصیلی صادر نمود. آن واقعیت اصلی که از خلال راجیه‌ها و لافزنی‌های خمینی میتوان فهمید اینست که طیر غم‌دهاها و تذکرات گمراه کننده در باره اولویت جنگ با عراق، در حقیقت کشتار و سرکوب انقلابیون در درجه اول اهمیت قرار داده شده است.

خمینی به دانش‌آموزان اخطار میکند که باید نه تنها دست به هیچگونه مبارزه‌ای علیه رژیم جمهوری اسلامی نزنند بلکه همکلاسیهای مبارز خود را به پاسداری و کمیته‌ها لوبد دهند. همچنین از آوارگان جنگی میخواهد که "صبور و شکیبایی خود را از دست ندهند" و دم برنیاورند! و آخر سر به "حاکم انقلابی" دستور میدهد که: "بی‌کم و کاست حکم قرآن کریم را اجرا نمایند... و فتنه (بخوان انقلاب) را بخواه‌باندند!"

(کیهان ۲۹ شهریور)
بدین ترتیب "فتوا" ها تکمیل است و تکلیف شرعی جلادان یعنی قتل عام بی‌چون و چسرای انقلابیون روشن گشته است!

عید قربان

نوجوش شهیدان اخیر

روز گواهداشت

قربانیان راه

آزادی و

انقلاب

رژیم شاه برای حفاظت از منافع سرمایه‌های انحصاری و مهربالیستی و استثمار کارگران و دیگر زحمتکشان سالها توده‌های مردم ایران را مورد ستم و دیکتاتوری وحشیانه خود قرارداد. قیام ۲۲ بهمن که در ادامه جنبش انقلابی سرتاسری به سقوط رژیم صفاک شاه منجر شد، در عین حال روزهای جشن واقعی ستکشان بود. اما بدلیل عدم آمادگی کارگران و زحمتکشان ایران، بدلیل توهامات توده‌های مردم، رژیم بجای شاه بر سر کار آمد که نه تنها عید قیام را بلکه تمام اعیاد دیگر مردم را به روزهای سوگ فرزند انانقلابیشان تبدیل نمود. این واقعیت در کردستان بیشتر از هر جای دیگر ایران ملموس است. از همان اولین عید بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، یعنی عید نوروز ۵۸، خلق کرد بجای شادمانی به برگزاری مراسم بزرگداشت شهیدانی پرداخته است که قربانی تیغ جلادی رژیم جمهوری اسلامی این میراث - خوار رژیم شاه، واقع شده‌اند.

روزهای عید برای توده‌های مردم هر چند که یادآور غم و اندوه عزیزان شهیدشان بوده اما بد رستی روز بزرگداشت فدائیکارهای پرافتخار این شهیدان نیز می باشد و بعنوان روز اعتراضات جدید و وسیع علیه رژیم جمهوری اسلامی و روز ادامه مبارزات خلقی بی‌خاسته در خاطره‌ها ثبت گردیده‌اند. یعنی روز گواهداشت مبارزات قربانی داد نهادهای خلقی کبهد ظلم و ستم‌هاستبداد کردن نمی‌تهند. طی روزهای اخیر ارتش و پاسداران رژیم جمهوری اسلامی با همکاری جاشهای قیاده موقت، توده‌های کنگره چهارمها بیورش تازه‌ای را برای سرکوب خلق کرد آغاز نموده‌اند. چیزی که همه این گروه‌ها را با وجود منافع جداگانه بهم پیوند میدهد، نفع مشترک آنها در سرکوب جنبش انقلابی است. اما ادامه مقاومت خلق کرد و پیشمرگان انقلابی در آینده با زهم نشان خواهد داد که سرانجام این بیورشها نیز شکست سرکوبگران خواهد بود.

خلق کرد بهیتر از دو سال و نیم با ارتش و پاسداران و جاشهای رژیم جمهوری اسلامی در نبرد بوده است. طی این مدت انواع سختیها و قربانی‌ها را تحمل نموده و شکستها، بیروزی‌ها، شرایط مساعد و ناساعد را تجربه کرده و سرافراز از کوران این مبارزات بیرون آمده‌است.

موج تازه بیورش جلادانه رژیم جمهوری اسلامی به بعضی از مناطق کردستان در ادامه جنگی سرتاسری است که از سه ماه پیش علیه تمام توده‌های مردم ایران آغاز نموده و اشکال مختلف مبارزه سرتاسری علیه رژیم را پدید آورده است. خلق کرد و پیشمرگان انقلابی آن همانطور که تاکنون نشان داده‌اند مسلماً در برابر این بیورش تازه رژیم - که برای پوشاندن ضعفهای درونی آن صورت گرفته - ایستادگی خواهند نمود و با تعرضات متقابل خویش جلادان رژیم را در دریای مبارزات خلق مدفون خواهند ساخت. خلق کرد و توده‌های مبارز و انقلابیون دیگر مناطق ایران باید مبارزه را تا سرنگونی این رژیم جبار و خونخوار ادامه دهند. کارگران و زحمتکشان و دیگر توده‌های ستمدیده ایران برای اینکه اینبار نیز رژیم همانند رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بر سر نوشت آنها حاکم نشود باید نه تنها به مبارزه‌ای سرسختانه در جهت سرنگونی کامل رژیم ادامه دهند بلکه باید در جریان این مبارزه، شهرها و ارگانهای انقلابی خود را در جهت برقراری حاکمیت خویش موجود آورند.

روز عید قربان - نوجوش شهیدان اخیر - اسال برای خلق کرد باید مظهر ادامه مبارزه متحدانه تمام توده‌های مبارز مردم در جهت کسب حاکمیت باشد.

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی!
نابود بساد نیروهای سرکوبگر!
گرامی باد یاد شهیدان راه آزادی و انقلاب!

گزارش از:

دبیرستان دخترانه نیشابان شماره ۲

وهابیان

این گزارش را یکی از دانش آموزان مبارز برای خبرنگار فرستاده است که ما عیناً آن را نقل میکنیم:

صبح وقتی وارد کلاس شدم بیش از نیم ساعت به زنگ ماند بود. یکی از دخترها در چهارچشمی مراقب اطراف بود و یکی دیگر از آنان با علاقه سرمقاله خبرنگار کومه را برای عده ای که در وروبرش جمع شده بودند میخواند. شنوندگان با نظراتی آمیزی از سرمقاله استقبال میکردند و گاه نمونه هایی از مبارزات تودمه را برای اثبات لزوم بودن رژیم می آوردند. بالاخره سرمقاله در میان شور و شوق دختران تسلیم شد و خواندن بقیه خبرنگار را به وقت دیگری موکول کردند.

یکی از دخترها در مورد قهرمانیهای پیشمرگان کومه و مردم در شهر سقز و تأثیراتش بر مبارزات مردم آن شهر شروع به حرف زدن کرد. وی گفت: این عملیات حتماً روحیه مردم را خیلی بالا می برد و در مبارزه آنان تأثیر زیادی خواهد داشت. در مهاباد هم همینطور بود.

دانش آموز دیگری حرف او را ادامه داد: بله راست میگوید. اگر یادتان باشد قبل از ضربه های سنگین کومه بر نیروهای رژیم در مهاباد، در شهر خققان شدیدی وجود داشت. پاسدارها به مردم توهین

میکردند، هرکس را که دلشان میخواست میگرفتند و به زندان می انداختند، بر روی مردم تیراندازی میکردند. ولی بعد از آن ضربه ها از ترس حمله پیشمرگان جرأت نداشتند آفتابی شوند و با سرعت بی اندازه ای با ماشینهایشان از خیابان عبور میکنند.

دختر دیگری گفت چرا در وروبریم؟ در همین دبیرستان خود مان هر روز پاسدار معلمها و دختران زینب به کلاسهای ما آمدند و میخواستند با زور ما را به ادان شعار بر طبله گروههای سیاسی وادار کنند. یا به تفتیش عقاید دانش آموزان می پرداختند.

مدیر ناظم دبیرستان هرکسی را که صدایش در می آمد اخراج میکردند. تودمه ها و اکثریتها آشکارا برای پاسداران تبلیغات و جاسوسی میکردند و اعلامیه ها را پاره میکردند. هرکس را که اعلامیه یا خبرنگارمه در دستش میدیدند از مد رسه اخراج و زندانی می نمودند. ولی حالا دیگر وضع خیلی فرق کرده است، در اثر ضربه های پیشمرگان از یک طرف و اعتراضات دانش آموزان از طرف دیگر، از سر تفتیش عقاید و زور گوئیهای هر روزه پاسدار معلمها و دختران زینب راحت شده ایم.

مدیر ناظم نمی توانند به راحتی دانش آموزان انقلابی را اخراج نمایند و دیگر تهدیداتشان در دانش آموزان تأثیری ندارد. اعلامیه ها و خبرنگارمه ها تقریباً آزادانه در جمعهای چند نفری مثل حالا خوانده میشود. تودمه ها و اکثریتی ها منزوی شده اند و مثل سابق جرأت جاسوسی طنی ندارند.



"سه رشیلانه" را خمپاره باران و توب باران نموده و به اذیت و آزار مردم پرداختند. این نیروها "ماویان" و بلندبهای پشت آپادی "تیانه" را به تصرف خود در آورده و در آنجا مستقر شدند. روزهای بعد همچنان خمپاره باران ادامه داشت و تعدادی از خانه های سکونی دهات مذکور را ویران و عده ای از اهالی را زخمی نمودند. مردم این دهات برای در امان ماندن از این حملات وحشیانه از ده خود خارج شده و به دهات دورتر کوچ کردند. پیشمرگان کومه در جریان این تعرضات مزدوران رژیم با آنان به نبرد پرداخته و تعدادی از نیروها دشمن را کشته و زخمی نمودند.

حملات وحشیانه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به روستاهای کامیاران.

همراه با موج تعرضات در مشهد رژیم جمهوری اسلامی به اشنویه و سومابراد و ست و منطقه بوکان، نیروهای سرکوبگر کامیاران هم دست به تعرض زده و در تاریخ ۶/۶/۲۰ اسلحه های سنگین از قبیل تفنگ ۱۰۶ و انواع خمپاره انداز و کالیبر ۵۰ از چند طرف در مهاباد کامیاران - میوان برآورداخته و وحشیانه کشتارها و دهات "ماویان" "کوره ره" "علیا" و "سغلی"

پیشمرگان کومه به یک خود رو دشمن را منهدم و سر نشینانش را بهلاکت رساندند.

یک دسته از پیشمرگان کومه (هژشید شوان) در مسیر ماویان - کامیاران (پل آهنگران) تله انفجاری کار گذاشتند. در تاریخ ۶/۶/۲۲ ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر یک اتومبیل جیب حامل تفنگ ۱۰۶ همراه با ۶ نفر سرنشین آن که پاسدار بودند به آن برخورد کرد و در نتیجه انفجار ماشین بکلی منهدم و سر نشینان آن همگی کشته شدند.

گزارشی از:

افتتاح مدارس جنبش مقاومت در بوکان

در نخستین روزهای مهرماه جاری، شهر بوکان شاهد جنب و جوش تازه و شورانگیزی بود؛ جنب و جوش هزاران دختر و پسر دانش آموز که چالاک و سرزنده، سال تحصیلی جدید را در مدارس خود با خواندن سرودهای رزمی کردی آغاز میکردند.

خیابانها و کوچههای شهر بوکان، تنها شهر آزاد ایران، شهری که د مکرسی انقلابی جنبش مقاومت طبرغم فشار ناشی از ۲ سال محاصره اقتصادی، بدان نشاط و زندگی بخشیده است، با ازدحام این فرزندان انقلاب جلوههای تازه بخود گرفته بود و نخستین روزهای پاییزی این شهر با آوای گرم و پر نشاط دانش آموزان انقلابی یادآور هیجان حیات بخش روزهای پیش از قیام بود.

"جمعیت د مکرانیک معلمان مبارز کردستان ایران" که در سال گذشته به یاری مردم مبارز بوکان و سازمانهای انقلابی توانست توطئه ضد فرهنگی رژیم را برای بتعطیل کشاندن مدارس بوکان خنثی نماید، امسال نیز با تکیه بر اعتماد اولیای دانش آموزان و شور و شوق وصف ناپذیر خود آنان، در روز اول مهرماه موفق به افتتاح ۱۱ مدرسه شامل ۵ دبستان، ۴ مدرسه راهنمایی و ۲ دبیرستان گردید که تقریباً تمامی شهر بوکان را در پوشش خود می گرفتند.

روز قبل از آن بنا به دعوت "جمعیت... کار نظافت و آماده کسردن میز و نیمکت و وسایل ضروری و نصب تابلوهای جدید در تمام مدارس با کاردسته جمعی معلمان و دانش آموزان همچون جشنواره پرهیجانی بانجام رسید.

سال گذشته دانش آموزانی که در مدارس جنبش مقاومت بوکان زیر نظر "جمعیت معلمان مبارز... تحصیل کرده بودند توانستند با امتحان دادن در شهرهای سقز، سنندج، ارومیه و تبریز بالاترین نسبت قبولی را (در مقایسه با شهرهای اشغالی کردستان) کسب کنند و این امر در استقبال دانش آموزان و اولیای آنان از بازگشایی مدارس در سال تحصیلی جدید تأثیر فراوان داشته است.

علاوه بر آن "جمعیت... با دایر کردن کلاسهای تقویتی و تجدیدی تابستانی موجب دلگرمی دانش آموزان را فراهم ساخته بود.

یکی از خصوصیات نوین مدارس بوکان تدريس زبان کردی در همه سطوح آموزشی است. برای این منظور "جمعیت... طرف سال گذشته و بیوزده طی سه ماهه تابستان با برگزاری دورههای فشرده، معلمان را با تدريس زبان کردی ویکا گرفتن کتاب "هلف و بی" و لوحههای آمادگی مخصوص که با توجه به فرهنگ خلق کرد تهیه و چاپ گردیده، آشنا نمود.

مدارس بوکان که در فضای د مکرسی انقلابی جنبش مقاومت خلق

پیشی از ه روزنپیرو... .

اکنون شهر مبارز بوکان - تنها شهر آزاد ایران - در معرض یورش رژیم قرار گرفته است و پیشمرگان و مردم مسلح جانبازان از آن دفاع میکنند. هر چند رژیم از ابتدای دور د م جنبش مقاومت د رصد د تسخیر بوکان بود، است ولی مخصوصاً د ر چند ماه اخیر به تدارک سیاسی و نظامی وسیع برای این یورش پرداخته است.

مسئله تصرف ضد انقلابی بوکان د ر مجلس، شورای عالی دفاع ستاد ارتش، راد یو، مطبوعات و... بارها و بارها مطرح شده است. در این مدت بطور منظم و مرتب با دگانهای سنندج، سقز، مراغه و ارومیه تقویت شده است تا بتوانند زمینه تصرف بوکان را فراهم سازند، انگار رژیم میخواهد با یک د ولست خارجی جنگی تمام عیار راه بیاندازد. ولی در این فاصله، تعرضات با برناه و متهورانه پیشمرگان کوهله بر نیروهای دشمن در قلب شهرهای سقز و مهاباد د ر تآخرانداختن این یورش نقش بسزایی داشته است.

د روزهای اخیر بلندگوهای رژیم، با بوق و کرنا مسئله تسخیر بوکان را به میان کشیدند تا جائیکه به خود وعده دادند نماز جمعه و انتخابات ریاست جمهوری را در این شهر برگزار کنند. نیروهای سرکوبگر رژیم، از ۵ روز قبل از د و طرف: سقز و میاندوآب به سمت بوکان حرکت کردهاند ولی در مسیر راه با مقاومت سرسختانه پیشمرگان و مردم مسلح روبرو شدهاند. پیشمرگان کوهله د ر اوج فداکاری و جانبازی د تمام جبههها به دفاع قهرمانانه پرداخته و تاکنون ضربات سنگینی بر نیروهای دشمن وارد ساختهاند.

به صحنه‌هایی از این مقاومت توجه نمائید :

● ۶۰/۷/۶ قبل از طلوع آفتاب ستونی مرکب از جاش و پامدارو ارتش از میانه آب بسوی روستای ساروقا میش حرکت میکند . یکی از تانکهای ستون در بلندیه‌های ساروقا میش یک تانک دیگر مقابل " مرغداری " این روستا مستقر میشوند . بقیه ستون تا جاده اسفالت منتهی به ساروقا میش پیشروی می‌کنند و با طلوع آفتاب تیراندازی را شروع می‌کنند .

از ساعت ۱۰ صبح تعداد تانکهای مقابل مرغداری به ۳ فروند میرسد و با خمپاره و توپ دهات حاجی‌لک ، حاجی‌آباد ، قهلا و اطراف قارنجه را می‌کوبند . سپس ستون به پیشروی خود بطرف ساروقا میش ادامه میدهد و در ساعت ۱۱/۲۰ وارد روستا میشود . در ساعت ۱۲ ستون در دسته‌های ۱۲ - ۱۰ نفری به پیشروی ادامه میدهد . در این هنگام پیشمرگان کوهله مواضع دشمن را در کوههای اطراف با خمپاره میکنند که در اثر ن تعدادی از نیروهای دشمن کشته و زخمی میشوند .

پیشمرگان کوهله برای بار دوم در ساعت ۵ بعد از ظهر با سلاحهای دوربرد خود مواضع دشمن در کوههای " کول آباد " می‌کوبند که اینجا نیز تلفات سنگینی بر مزدوران وارد میشود . شرکت سلحشانه مردم به این نبرد ها جلوه خاصی میداد . هنگام ورود نیروهای دشمن به روستای ساروقا میش ، پیشمرگان حزب د مکررات بمقابله با آنان پرداختند .

● ۶۰/۷/۸ شب هنگام چندین دسته از پیشمرگان کوهله پیشروی به سوی پایگاه دشمن در کوه سلطان (مسیر بوکان - سقز) را آغاز نمودند و در ساعت ۱۲/۴۵ -

دقیقه به عملیات شجاعانه و تهور آمیزی علیه مزدوران مستقر در پایگاه دست زدند .

پیشمرگان با شجاعت کم نظیری در حالیکه سرودهای انقلابی میخواندند به سوی سنگرهای دشمن پیشروی کردند و در همان دقائق اول تعداد زیادی از سنگرهای آنان را تصرف کرده و تلاش برای تصرف چند سنگر باقی مانده را

آغاز کردند . دشمن زبون و وحشت زده تقاضای کمک نموده و بی هدف دور پرخود را می‌کوبید .

پیشمرگان تا ۱ متری سنگرهای آنان نزدیک شده و از نارنجک دستی علیه آنان استفاده می‌نمودند . حدود ۳/۵ ساعت دشمن زیر رگبار پیشمرگان قرار داشت و نمی‌توانست عکس العطفی

(بقیه - گزارشی از افتتاح ...)

کرد با ابتکار و برنامه " جمعیت د مکرراتیک معلمان مبارز کردستان ایوان " د ایرگشتهاند ، از دزاداره ویژه‌ای برخوردارند ؛ د بریت مدارس شورایی و انتخابی است ، نظافت و دیگر خدمات از سوی معلمان و دانش آموزان د او طلبانه انجام میگردد ، فعالیت و بحث سیاسی آزاد است ، شورای دانش آموزان د راداره ۱۰ مورد رسد د خالت دارد و جوی د مکرراتیک و پیرانشاط انقلابی برمد ارس حکمفرما میباشد .

اما این روزهای پرازد حام و جنب و جوش د رمد ارس هم اکنون متوقف شده است ، با قوت گرفتن شایعه " هجوم نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به بوکان و پس از تهدیدات آشکار رژیم که از زادیو پخش گردید و سه شیانه روز خمپاره باران و توپ باران روستاهای اطراف شهر ، بالاخره نشاط انقلابی د ارس د رضای بیم وامیسد ناشی از هجوم ارتش و پاسداران و مقاومت مردم و پیشمرگان به خشم و نفرت عمیق مبدل گشت . د رروز ۸ مه‌ماه " جمعیت ... " برای حفظ جان دانش آموزان تصمیم گرفت د ارس راتا اطلاع ثانوی تعطیل اعلام کند . دانش آموزان با خواندن سرودهای رزمی هر حالیکه پیشمرگان رابه ادامه مقاومت تشویق میکردند د ارس عزیز خود راترک کردند .



عکس با لعاذهای از دانش آموزان و معلمان را در حال نظافت مدرسه نشان میدهد .

میریوان: پیشمرگان کوهله با حمله به

یکتای نیروی دشمن تمام سرنشینان آنرا

بهلاکت رساندند.

حاکم شرع پاوه و یک افسر جزو کشته

شدگان شدند.

گیری از نفوذ پیشمرگان به آنجا در ۵۰۰ متری کمین کرده بود. حمله پیشمرگان بحدی غافلگیر بود که دشمن نتوانست عکس العملی نشان دهد. در میان کشته شدگان حاکم شرع پاوه، یک افسر و چند جاش دیده میشوند. پیشمرگان کوهله بارها با عملیات شجاعانه خود در مرزها و در شرایط سخت اشغال نظامی منطقه توسط نیروهای جمهوری اسلامی تلفات زیادی بر نیروهای دشمن وارد ساخته اند.

۶۰/۶/۲۰ - در ساعت ۷/۵ بعد از ظهر تعدادی از پیشمرگان کوهله (همز شهید فواد) در جاده هورامان - میریوان در محلی به نام "کانی دینار بالک" تقریباً ۷ کیلومتری شهر میریوان، یک ماشین دشمن را که حامل ۹ تن بود به کمین انداخته و در اثر حمله برق آسای خود تمام سرنشینان آنرا کشته و زخمی و ماشین را نیز منهدم نمودند.

این ضربه شجاعانه در منطقه ای روی داد که دشمن به منظور جلو-

جز تیراندازهای بی مورد نشان بدهد. پیشمرگان بعزت روشن شدن هوا و رسیدن نیروی کمکی برای دشمن، بطرف پایگاههای خود عقب نشینی کردند. در این حملات بیش از سی تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. این عملیات تأثیر بسیار زیادی روی روحیه مردم شهر گذاشته است.

روز ۶۰/۷/۹ ساعت ۸ صبح ستون بزرگی از نیروهای سرکوبگر رژیم مرکب از ارتش و پاسدار وسیع و تعدادی جاش از جاده ماند و آب بطرف بوکان پیشروی را آغاز کردند. چندین دسته از پیشمرگان کوهله وعده های از مردم صلح روستاهای اطراف راه را بر نیروهای دشمن سد کردند. در این نبرد سخت که از ساعت ۸ الی ۲ بعد از ظهر ادامه یافت چندین خودرو دشمن از کار انداخته شد و تعداد زیادی از نیروهای ارتشی و پاسدار کشته و زخمی شدند. حتی پیشمرگان نتوانستند آنها را از یک تپه و افلر به عقب نشینی نمایند. دشمن در اینجا نیز با وجود داشتن نفرات زیاد و امکانات نظامی وسیع ضعف خود را نشان داده و سراسیمه نیروهای خود را با وجود فرستادن نیروی کمکی به مقاومت تشویق می نمود. بعد از مدتی ستون بزرگ دیگری به کمک نیروهای درگیر دشمن آمده و در نتیجه پیشمرگان مجبور به عقب نشینی شدند. در این درگیری به پیشمرگان و مردم که با روحیه بسیار عالی راه پیشروی را سد کرده بودند آسیبی وارد نیامد. این دومین درگیری مهم پیشمرگان کوهله برای دفاع از شهر بوکان بود. در این درگیری چند تن از پیشمرگان حزب دمکرات نیز شرکت داشتند.

شد. در این عملیات مقصداری اسلحه و مهمات و مدارک آنان به دست پیشمرگان افتاد. در جریان عملیات یکی از پیشمرگان زخمی سطحی برداشت که همانجا توسط رفقای امداد گرد رمان شد.

در منطقه میریوان در ارتفاعات نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و اعمال فشار بر توده های زحمتکش دهات، تعدادی از روستاهای خالی از سکنه شده و رفت و آمد در این مناطق به سختی انجام میگردد. پیشمرگان کوهله با توجه به این شرایط تا مساعد، با فداکاری و دقت این عملیات را انجام دادند. این ضربه مشهورانه تأثیر بسزایی در بالا بردن روحیه مبارزاتی مردم داشته است.

پیشمرگان کوهله در هورامان
۴ هزار نفر رژیم را به
هلاکت رسانده و اسلحه و
مهمات و مدارک آن
را به شایستگی گرفتند.

در ساعت ۷ بعد از ظهر ۶۰/۷/۵ یک دسته از پیشمرگان کوهله (همز شهید فواد) در بین روستاهای (دوره و هوران) و پایگاههای شرف بر این روستا به کمین مزدوران رژیم نشستند. بعد از مدتی یک جیب فرماندهی با چند سرنشین سر رسید و وزیر گبار سلا حهای پیشمرگان قرار گرفت که در همان لحظات اول ۴ نفر از سرنشینان جیب که پاسدار بودند کشته و یک نفر زخمی

تعرض پیشمرگان کومه له

بر نیروهای دشمن در جاده

تنگناپ - بیجار

در تاریخ ۶۰/۷/۶ در دسته از پیشمرگان کومه له در دیواندره جاده تنگناپ - بیجار را به کنترل خود در آوردند و به بازرسی ماشینها پرداخته و دربارهٔ پیش مقاومت خلق کرد و اهمیت آن، وضعیت کنونی انقلاب و مواضع و اهداف سازمان ما برای ساfran تبلیغ پرداختند که مورد استقبال آنان قرار گرفت.

در این هنگام دو ماشین که سرنشینان آن پاسدار و بسیج بودند به کمین پیشمرگان افتاده و در اثر آتش سلاحهای آنان هر

پیشمرگان کومه له در

داخل شهر سنندج

ه جاش و پاسدار

را بهلاکت رساندند.

۶۰/۷/۳ پیشمرگان کومه له پل شهید جلال، شب هنگام به داخل شهر وارد شدند و به کمین ماشینهای گشتی مزدوران رژیم جمهوری اسلامی نشستند. در ساعت ۱/۵ با تعداد یک ماشین حامل جاش و پاسدار که از خیابان اردلان بطرف خیابان شاپور سابق در حرکت بود زیرگبار سلاحهای پیشمرگان قرار گرفت و در نتیجه تمام سرنشینان آن که ۵ نفر بودند در دم به هلاکت رسیدند. بعد از این تعرض پیشمرگان بانظم انقلابی از شهر خارج شده و همگی سالم به پایگاههای خود بازگشتند.

پیشمرگان سازمان پیکار

در کامیاران بیش از ۳۰ تن

از مزدوران رژیم را کشته

وزخمی و ۳۱ نفر را اسیر

نمودند

طبق گزارش رفقای پیکار پیشمرگان سازمان پیکار طی عملیات شهورانه به یاد پیروزی پیشمرگان سازمان پیکار رفقا: خالق نفقه، رحمن حبیب پناه، طبرضا سعادت (دکتر محسن)، سید جلیل سید احمدیان (بهرروز) و محمد وحیدی که توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در تهران اعدام گردیدند، ضرباتی کوبنده بر نیروهای دشمن وارد ساختند.

در تاریخ ۶۰/۶/۲۸ در ساعت ۴ بعد از ظهر سه دسته از پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید ارسلان، دسته شهید زرگا رود، دسته شهید اسد) در جاده کامیاران - سنندج، در نزدیکی روستای "بوانه" به کمین مزدوران نشستند. ابتدا چند نفر از پیشمرگان برای یافتن مزدوران رژیم به کنترل و بازرسی ماشینها پرداختند که در این جریان تعداد ۱۷ تن جاش و ارتشی را به اسارت خود در آوردند.

از طرف دیگر پیشمرگان سازمان پیکار، یک ماشین تویوتای حامل ۱ نفر جاش و پاسدار را به کمین انداخته و مورد حمله ناگهانی قرار دادند که در همان لحظات اول کلیه سرنشینان آن کشته و زخمی شدند و ماشین به دره سقوط کرد. بعد از مدت کوتاهی ستونی شامل چند خودرو حامل عدای جاش و پاسدار ارتشی از طرف کامیاران به محل درگیری رسید که آنهم به کمین پیشمرگان افتاد و با آتش بی امان پیشمرگان روپروگردید که

دو منهدم شدند. در این عملیات دست کم یک پاسدار و یک بسیج کشته و عددهای زخمی شدند. اهمیت عملیات پیشمرگان کومه له در این است که در جادهای که مدتها تحت کنترل نیروهای رژیم بوده، دست به تعرض زد مانند.

حمله پیشمرگان

چریکهای فدایی خلق ایران

واحدگشتی جاشها و سنندج

شبانگاه ۶۰/۶/۲۲ یک واحد از پیشمرگان چریکهای فدایی خلق ایران وارد شهر سنندج شدند و کنترل قسمتهایی از شهر را در دست خود گرفتند. پس از گذشت نیم ساعت یک واحد گشتی از جاشهای خود فروخته به کمین پیشمرگان افتاده و مورد حمله شد. بد آنان قرار گرفت. در اثر این حمله بلافاصله چهارتن از جاشها کشته و بقیه وحشت زده شروع به زاری و ناله نموده و تقاضای کمک می نمودند. اما پیشمرگان به آنها امان نداده و ۲ تن دیگر از آنها را نیز از پای در آوردند. و یک نفر دیگر را نیز شدیدا زخمی نمودند. پیشمرگان پس از به هلاکت رساندن جاشها تعدادی از سلاحهای آنها را که عبارت از ۴ قبضه ۳- یک قبضه کلاشینکف و یک قبضه سلاح کمری و مقدار کمی فشنگ و نارنجک و وسائل دیگر بود مصادره نمودند.

در جریان درگیریها یکی از پیشمرگان فدائیکه چریکهای فدایی خلق ایران، رفیق "فیروز" به شهادت رسید. پیکر این رفیق شهید طی مراسمی در یکی از روستاهای اطراف شهر به خاک سپرده شد. پاسداران رژیم میسر آریم.

ساعت دو پاسد اران

کدره‌ها یان

مفتی کهد رزیرمیخوانید نزارن یکی از دستگیر شدگان روز ۶/۶/۶۰ است که برای خبرنگار ارسال داشته است. مابدلعل کویا بودن مطلب، عین آنرا نقل میکنیم.

شب ۶/۶/۶۰ در خانه‌ای واقع در محله "تلشی" نام احمد " مهمان بودیم. احتمال این وجود داشت که آن روز پاسداران در آن منطقه شروع به خانه‌گردی کرده‌اند و عدای راد دستگیر کنند. به همین خاطر تصمیم گرفتیم ساعت ۵/۵ صبح از خانه خارج شویم. حدس ما درست از آب درآمد و بعد از رفتن ما پاسداران سه‌بار خانه‌های آن منطقه را گشته و عدای از مردان راد دستگیر کرده و بانوهمین وکتک آنها را همراه خود برده بودند. ساعت ۶ صبح در یکی از اماکن عمومی نشسته بودیم که پاسدارها آمدند و بازورمن همه کسانی را که در آنجا بودند به صف کرده و با خود بردند. آنها در طول راه برای مرعوب ساختن ما تیراندازی هوایی میکردند. بالاخره به مقر پاسداران واقع در بانسک سپه رسیدیم. وقتی وارد شدیم عرب نژاد مسئول پاسداران محدود ۵ نفری را که قبل از ما دستگیر شده بودند نصیحت میکرد: "باید با ما همکاری کنید. بگرددید بدان زن را که پسرش را تحویل داد و هنگام اقدام حاضر نشد با او ملاقات کند؟" مدتی ساکت شد و قدم زد و باز ادامه داد: "در همین خیابان پیش از ۴ نفر از افراد ما "شهید" شده‌اند و شما هم می‌گوئید ما آنها را ندیده‌ایم. آن آره بی‌چی و بازوگا از کجا آمده، از آسمان؟ آن پیشمرگ از کجا آمد، از آسمان؟ آن پیشمرگ در کجا غذا خورد؟ یعنی شما هانمید! - نید از کجا به برادران ما شلیک کردند؟ " باز ساکت شد و چند بار عرض و طول سالن را پیچید. کسی به سوالات او جواب نمی‌داد. هرگز دقیقه حدود ۲۰-۱ نفر بر تعداد ما افزوده میشد. دستگیر شدگان راد رصفهای یک نفره بانوهمین وکتک به سالن می‌آوردند. دو نفر از جوانان راجتان وحشیانه با لگد زدند که سروصورتشان خونین شد. باقتصدان تنگ طوری به پس‌گردن پسر ۱۲ ساله‌ای زدند که گردنش کبود شده بود. بالگد به ساق پای پیرمردان می‌زدند. در میان دستگیرشدگان دو نفر دیوانه پناهای خم‌ان وسید حمال دیده میشدند. حتما آنها هم محارب با جمهوری اسلامی و باغی بودند. عرب نژاد داد زد: "کارگران سینما بلند شوند!" کارگران سینما که شب در آنجا مانده بودند بلند شدند. اوروبه

د دستگیرشدگان کرد و گفت: "مردم شما بی‌سید از سینما آریاکی بود تیراندازی میکرد؟" کارگران گفتند: "مادر زیزمین بودیم و اطلاعی نداشتیم." عرب نژاد بسا تمسخر و تهدید گفت: "پس اینطور که نمی‌دانستید، هم‌تان در زیزمین بودید، ها؟ مردم یکصد اگفتند "درست است. عرب نژاد از جواب مردم عصبانی شده خون خوش را میخورد. مایوسانه فریاد زد: "من خودم دیدم پیشمرگان از سینما آریا تیراندازی میکردند."

همه ما رابه میدان قاضی محمد بردند. باز عرب نژاد آمد مدتی دیوانه وار قدم زد. بعد روبه ما کرد و گفت: "شماها ایرانی و مسلمان هستید؟ مردم جواب دادند: "بله" ادامه داد: "خیلی خوب حالا وقتش است که ثابت کنید، هم‌اکنون ۵ نفر خائن (!) که ما آنها را می‌شناسیم (!) معرفی کنید و از صفوف خود جدا کنید. هرچی منتظرشید فایده‌مند است مرد کس را معرفی نکردند. با عصبانیت گفت: "نبود، خائن در بین شما نبود، ها؟ میدانستم قابل پیش‌بینی بود که شما اون مردی نیستید که خائن را معرفی کنید. بعد یکی از پاسدارها در حالیکه کافذی از پوشه زین بخلش در می‌آورد روبه ما کرد و گفت: "مادلان میخواهد شما خودتان حرف بزنید و گرنه ما نیست تمام افراد ضد انقلاب را داریم." ولی مردم باز هم جوابی ندادند. عرب نژاد باز شروع کرد بدزدن و بین شما که اینجانشسته‌اید افراد حزب الله هست و آنها خائنینی را معرفی کرده‌اند و ما دوست داریم که شما خودتان افراد خائن را معرفی کنید." چون جوابی نشنید شروع کرد بسوا تعریف از خائنین حزب توده و اکثریت: "ما احزابی داریم مانند حزب توده و فدائیان اکثریت که قانون اساسی را پذیرفته‌اند و لایحه‌ای احزاب را قبول کرده‌اند و به فعالیتشان ادامه میدهند." مردم همین طور ساکت نشسته بودند. عرب نژاد لحنش را عوض کرد و گفت: "من به شما قند و شکر داده‌ام، و روغن داده‌ام، نفت داده‌ام، فقط به خاطر اینکه شماها از این ضد انقلاب حمایت نکنید. ولی می‌بینم که بی‌فایده است و شماها خوب نمی‌شوید. من باید امروز تکلیفم را با شما روشن کنم."

پيام من رابه محله‌ها برسانید؟" من سه‌روز فقط سه روز به شما فرصت میدهم و تا تاریخ ۶/۶/۶۰ که تا آن موقع هر ضد انقلابی را که به محله شما می‌آید دستگیر کنید، در غیر این صورت، به کارمندان آن محله حقوق نخواهیم داد. نذشت آن زمانی که از هر ده تومان ۳ تومان آن رابه روهکها بدهید. ماد یگر چنین اجازه‌ای نخواهیم داد و برای افراد آن محله کتیرین

و خسروبراقی نیز عده‌ای را جد کرد و با خود بردند که حدود چهل نفر میشدند.

مردم با تمسخر آنها را نگاه میکردند و گاه دستشان می‌انداختند یکی از جاشها میگفت "مردم ۱۸ سال درس میخوانند و می‌آیند ۵ هزار تومان حقوق میگیرند. شما بیایید پیشمرگ مسلمان بشوید و ۶ هزار تومان حقوق بگیرید. به شما تفنگ هم خواهیم داد. شما از ضد انقلاب چه خوبی‌ای دیده‌اید؟"

کم‌کم زخمه اعتراض دستگیرشدگان بلند شده بود که یکی از پاسداران آمد و آنها را دعوت به آرایش کرد. ولی اعتراض داشت بالا میگرفت. پاسدار گفت: "اگر سر و صد اکنید نمی‌گذاریم بروید." و سپس افرادی را جد کرده و یکی یکی روانه نمودند. نزد یکهای ساعت ۳ همه‌ی مسن‌ها را آزاد کرده بودند. آنگاه نوبت جوانها رسید. یکی از پاسدارها میخواهست مارا به گفتن شعارمرگ برکوهله و دمکرات و ادار نماید، ولی دستگیرشدگان با سکوت خود پشتیبانی خود از پیشمرگان و انزجار از رژیم جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگرش را ابراز داشتند. آخر سر پاسدار چون دید فایده ندارد یاد ماندگی جوانها را هم آزاد کرد.

مجازاتی که در نظر گرفته‌اید تمهید آنها به مناطق بد آب و هوای کشور است. دیگر خسته‌شده‌ام، این همه صبر کرد‌ام بهتر است خودم را راحت کنم. در هر محله‌ای تیراندازی شد آن محله را تبعید میکنیم."

بالاخره واقعا خسته‌شد. تیرش به سنگ خورد و چیزی از آنها دستگیرش نشد. نزد یکهای ساعت ۸ وقتی عرب نژاد سوار ماشین شد و رفت، تعداد دستگیرشدگان به ۵۰ نفر می‌رسید. او قبل از رفتن به یکی از پاسدارها گفت که ۵-۴ نفری ما را آزاد کنند. بعد از رفتن عرب نژاد پاسدار پوشه بدست همه کارمندان و افراد مسن را یکی یکی جد کرد و آنها را به جایی که با فاصله داشت فرستاد. سپس به ترتیب غیربومیها، کارمندان و دانش‌آموزان را در حالیکه اسم و شهرتشان را می‌پرسید و کارت شناساییشان را نگاه میکرد از هم جدا کرد. این کار نزدیک به دو ساعت طول کشید. ناگهان پاسداران به تیراندازی هوایی پرداختند و باز همه‌ی ما قاطی شدند و باره مثل اول شد.

اینبار نوبت جاشها بود که با بی‌روصورت از ترس پوشانده شده یکی یکی ما را اوراند از کنند. آنها جمعی

بوکان

خاری در چشم جمهوری

اسلامی

بوکان، تنها شهر آزاد کردستان و در واقع دمکراتیک‌ترین شهر ایران بود. تهاجم نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفته است. این شهر از فردای قیام ۲۲ بهمن تاکنون به جز حدود ۲ ماه (از اوائل شهریور ۵۸ تا اوائل آبانماه همان سال) در دست پیشمرگان و توده‌های مردم بود. در این مدت نسبتاً طولانی، شهروکان مرتباً شاهد مراسم پرشور، تظاهرات و تپنگ‌های فراوان بودند. میدانها و خیابانهای این شهر هرروزه صحنه بحثهای زنده سیاسی روز بدل گشته است. برد یوارهای شهر تازه‌ترین اعلامیه‌ها و نشریات سازمانهای متعدد سیاسی را میتوان دید. هرطایفه‌ی مسافرومهمان تازه‌واردی که از دیگر شهرهای ایران، به بوکان یا میگرد آشفکارا هوای آزادی و دمکراسی را نفس میکشد.

بیمارستان و اخراج پزشکان و کادرهای آن! رژیم در نظر داشت که با این تضییقات مردم را بزانود و آورده و آنان را از پیشمرگان انقلابی خود جدا سازد، لیکن این اقدامات همواره برای رژیم نتیجه معکوس بسیار آورد هاست.

سال گذشته جمعی از معلمان مبارزین از تشکیل "ر" جمعیت دمکراتیک معلمان مبارز کردستان ایران" به یاری مردم و سازمانهای انقلابی مدارس بوکان یاد این نمودند و به آموزش هزاران دختر و پسر دانش آموز در مدارس جنبش مقاومت این شهر پرداختند. آنها نه تنها به بهترین شیوه به تدریس پرداختند بلکه تدریس زبان کردی را نیز در برنامه خود گنجانده‌اند. همچنین به پرورش و شکوفایی هنر انقلابی توجه نمودند و رزمینهای تئاتر، شعر و موسیقی نیز به ستاوردن های ارزنده‌ای نایل آمدند. نمایشنامه "کالای شورش" (پرچم انقلاب) چند بار در این شهر روی صحنه رفت و مورد استقبال توده‌ها قرار گرفت. همچنین سرود "انترناسیونال" بزبان کردی برای اولین بار در این شهر اجرا گردید.

بیمارستان بوکان نیز به محض انحلال آن توسط رژیم، بوسیله پزشکان و کادرهای پزشکی کوهله تصرف انقلابی گردید و اداره انقلابی آنرا با تعداد بمراتب کثرتی کادرها با شیوه‌ای بمراتب بهتر و منظم‌تر از رژیم برعهده گرفتند.

بقیه از صفحه ۱۴

معلمان مبارز و خراجی و آماده به خدمت

حکومت جمهوری اسلامی شما را بخاطر وفاداری به مبارزه و انقلاب، بخاطر وفاداری به زحمتکشان و عشق به فرهنگ انقلابی و... از کار بیکار و زندگی سختی را بر شما تحمیل کرده است و بجای شما عده‌ای قلدر و کودن را که با تکامل و پیشرفت و دانش سر دشمنی دارند جایگزین نموده است تا جهل و خرافات را ترویج دهند و جو خفقان و ترس را بر مدارس حاکم گردانند.

تأمین خواسته‌های دمکراتیک شما تنها با تشکل و مبارزه یکپارچه و شاد و ش معلمین شاغل در نهاد های دمکراتیک چون جمعیت دمکراتیک معلمان مبارز کردستان ایران امکان پذیر است.

معلمان هوادار سازمانهای سیاسی و انقلابی و اعضا و هواداران جمعیت |
بر شماست که فعالانه در فراهم کردن زمینه تشکیل شوراهای دمکراتیک معلمان و دانش آموزان بکوشید
بر شماست که معلمین را حول محور جمعیت... با توضیح اهداف و برنامه‌های دمکراتیک آن متشکل کنید و سازمان دهید.

بر شماست که با افشگری و مبارزه وسیع با تشکلهای ارتجاعی چون: انجمنهای اسلامی، ایمن کانونهای جاسوسی، و افشای نقش پاسدار معلمان و خائنین توده ای و اکثریتی و... مرز بین معلمان شرافتمند و مبارز و انقلابی با معلمینی فرصت طلب و خائن و... را مشخص نمایید.

بر شماست که توطئه های ضد دمکراتیک - ضد فرهنگی جمهوری اسلامی را افشاء و به یاری معلمین متعهد و مبارز و انقلابی آنها را نقش بر آب کنید.

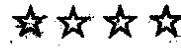
پیش بسوی تشکیل شوراهای دمکراتیک معلمان و دانش آموزان!
ستحکمتر بساد پیوند مبارزاتی دانش آموزان و معلمان باز زحمتکشان!
جمعیت دمکراتیک معلمان مبارز کردستان ایران
۶۰/۶/۱۸

بقیه از صفحه ۱۱

مصادره یک شرکت دولتی در داخل شهر

مهاباد توسط پیشمرگان کومه له
در تاریخ ۶۰/۷/۳ چند دسته از پیشمرگان کومه له وارد شهر مهاباد شد و شرکت تعاونی واقع در خیابان شاهپور سابق را مصادره انقلابی نمودند. این شرکت در صد تری مقرر مباداران واقع در ساختمان بانک سپه قرار گرفته است. هنگام مصادره پاسداران از حرکات پیشمرگان باخبر شده بودند ولی جرأت نزد یک شدن به محل را نداشتند تنها گاه به گاه گذرگاه رفت و آمد پیشمرگان را با اسلحه سبک به آتش می بستند. لیکن پیشمرگان کومه له با نظم و انضباط انقلابی پس از مصادره مقدار قابل توجهی از مواد خوراکی و وسائل بهداشتی، شهر را ترک کردند. این عملیات شهروانه بار دیگر خوبی نشان داد که رژیم با وجود برپا کردن زنجیره ای از پایگاه و مقر در داخل و خارج شهر نمیتواند از نفوذ پیشمرگان به داخل شهر و انجام عملیات تعرضی آنان جلوگیری بعمل آورد.

رژیم جمهوری اسلامی که بادی مکرسی و آزادی سر جنگ دارد و طبیعتاً نمی تواند وجود شهر آزادی چون بوکان را تحمل نماید و بهر وسیله متوسل میشود تا آنرا مغلوب نماید اگر با فشار سیاسی و اقتصادی نتوانست آنرا بزبان آورد، ستونهای بزرگ نظامی بدانجا روانه میسازد. هم اکنون مدت پنج روز است که نبرد سختی بین پیشمرگان و مردم مسلح منطقه از یک طرف و نیروهای سرکوبگر رژیم از سوی دیگر در دو محور بوکان - سفرو بوکان - میاند آب در جریان است و پیشمرگان انقلابی جنبش مقاومت و مردم مسلح فداکاران از این شهر دفاع میکنند. مسلماً این تعرض رژیم پایدار نخواهد ماند زیرا رژیم جمهوری اسلامی در کلیت خود روبه نابودی است و توده های مبارز ایران و سازمانهای انقلابی خود را برای سرنگونی آن آماده میکنند.



بقیه از صفحه ۹

در نتیجه بیش از ۲ نفر کشته و زخمی شدند. این درگیری تا ساعت ۶/۵ بعد از ظهر ادامه داشت. پیشمرگان بعد از خاتمه عملیات سالم و با نظم انقلابی به پایگاهها خود بازگشتند. در این عملیات ۱۴ نفر از افراد دشمن دستگیر و جمعاً بیش از ۳۰ نفر کشته و زخمی شدند و تلاش های وسیع دشمن برای باز پس گرفتن اسرای نتیجه ماند.

این عملیات بزرگ و شهروانه پیشمرگان سازمان بیکار تأسیس عمیقی بر روحیه مبارزاتی شهرو روستاهای منطقه به جای گذاشته است.

پیام جمعیت دمکراتیک معلمان مبارز کردستان ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۰-۶۱

هم وطنان مبارز!

خلق رزمنده، کود!

دانش آموزان و معلمان پرشور و مبارز!

فرزندان خلق کرد همراه معلمین خود سومین سال تحصیلی بعد از قیام خونین ۵۷ را در شرایطی آغاز میکنند که هنوز خمپاره باران، قتل عام، اعدام، خانه خرابی و... در کردستان قهرمان ادامه دارد.

سومین سال تحصیلی بعد از قیام در کردستان، در شرایطی آغاز میشود که تعداد زیادی از شایسته ترین معلمان و دانش آموزان یا به کاروان سرخ شهدای انقلاب ایران پیوسته اند یا در صف پیشمرگان انقلابی برای کسب دمکراسی و دفاع از آن در سنگرند و یا بخاطر دفاع از آزادی در زندانها شکنجه گاههای حکومت جمهوری اسلامی اسیرند.

سال تحصیلی جدید در کردستان در شرایطی آغاز میشود که جنبش مقاومت خلق کرد بعد از طغیان فراز و نشیب ها، بسوی اعتلای نوینی پیش میرود و پیشمرگان انقلابی بیکسر لسوزان رژیم جمهوری اسلامی را زهر ضربات سنگین خود قراز داده اند.

سال تحصیلی جدید در کردستان، سراسر ایران در شرایطی آغاز می شود که برای دوستان انقلاب نوید پیروزی و برای دشمنان انقلاب وحشت مرگ در بر دارد.

رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ضد دمکراتیک و ضد فرهنگی خود وحشترده از آگاهی جوانان، دانشگاهها را بسته است، مدارس را بوسیله پاسدار معلمان، خائنین توده ای و اکثریتی وانجمنهای اسلامی* به کانون جاسوسی و تفتیش عقاید و اشاعه فرهنگ ارتجاعی تبدیل کرده است. حکومت جمهوری اسلامی وحشترده از علم و دانش و آگاهی، اکثر معلمین مبارز و انقلابی را که عمدتاً با سواد و مجرب و دلسوز هستند به بهانه های مختلف از کار بیکار کرده و بجایشان پاسدار معلمهای کودن و بیسواد را بکار گمارده است.

حکومت جمهوری اسلامی میخواهد مدارس را که محیط کشف استعداد های نهفته و پرورش و شکوفایی آن و صحنه برخورد اندیشه ها و مرکز تبلور خلاقیت و محل بروز شور و هیجان و مکان دانش و فرهنگ و علم و آگاهی هستند به محیطی ساکت و بی حال و مرده و مرکز تفتیش عقیده و جاسوسی و محل اشاعه فرهنگ کهنه و پوسیده تبدیل نماید.

حکومت جمهوری اسلامی از هرگونه تشکل و بیکارچگی دانش آموزان و معلمان و پیروندشان با یکدیگر هراس دارد. روی این اصل اقدام به تشکیل انجمنهای اسلامی و تربیت جاسوسانی بنام: (معلم-پرورشی، پاسدار معلم، دختر زینب و...) نموده است تا بوسیله آنها مانع از شکل گیری و توسعه سایر زرات معلمین و دانش آموزان گردد و جهالت قرون وسطایی را بر ذهن دانش آموزان تحمیل نماید. حکومت جمهوری اسلامی مشخصاً در کردستان برای زهرچشم گرفتن از دانش آموزان با طرح سئوالاتی خارج از متن کتابها و یا از قسمتهای حذف شده کتاب و نظارت مسلحانه بر جلسات امتحانی، اخراج کودکان کودکان کوردستانی به جرم سرود خواندن، اخراج دسته جمعی دانش آموزان معترض و بالاخره به تعطیل کشاندن مدارس و آموزش و پرورش در مناطق زیر حاکمیت نیروهای انقلابی کینه عمیق خود را نسبت به خلق کرد و فرهنگ انقلابی نشان میدهد.

دانش آموزان و معلمان مبارز و آگاه سراسر ایران!

سال تحصیلی ۶۰-۶۱ را با اعتراض بسلب آزادیهای دمکراتیک و شعار دفاع از آزادی و دمکراسی در جهت نابودی خفقان و دیکتاتوری و فراهم کردن زمینه شوهای دمکراتیک آغاز کنید.

* انجمنهای اسلامی منظور همان زوائد حزب جمهوری اسلامی است که در تمامی ارگانها (مدارس، دانشگاه، اداره، کارخانه) مانند یک کانون جاسوسی عمل میکنند.

با حرکات اعتراضی خود همچون زمان شاه در پیوند با مبارزات و جنبش توده‌های مردم هرتوطشه و تهرض ضد دیکتاتیک را خنثی کنیم .

— برای کسب آزادی و دفاع از آن مبارزه کنید .
— نشریات ، اعلامیه ها و تراکتهای سازمانهای سیاسی و انقلابی و جمعیت را در کلاسها ، کربدور ها ، دربهای ورودی و خروجی مدرسه و محل تجمع و رفت و آمد معلمان و دانش آموزان بچسبانید ، و اگر ممکن میشود تمام و یا بخشهایی از آنها بزرگ نویسی کنید .
— تراکتهای کوچکی با مضمونی افشاگرانه دستنویس و بجایهای مناسبی بچسبانید .
— پای نشریات ، اعلامیه ها ، تراکتها و دستنویسها جمع شوید و ضمن محافظت از آنها زمینه بحث را فراهم کنید .

— از پاره کردن نشریات و اعلامیه ها و ... توسط بعضی از مدیران ، پاسدار معلمها و ... اصطلاح مربیان تربیتی ! بهر شیوه ممکن جلوگیری کنید .
— با خواندن سرودهای انقلابی در کلاس و صحن مدرسه و ... روحیه دشمن را تضعیف و میل سایر دانش آموزان را به همراهی و همکاری بیشتر تقویت کنید .
— محکم و استوار در برابر تشکلهای ارتجاعی نظیر : (انجمنهای اسلامی و ...) بایستید ، توده‌های ها و اکثریتی های خائن و رسوا را افشا و طرد کنید .

مبارزات خود را همچون زمان شاه و با بهره گیری از تجارب قبل و بعد از قیام با جنبش اعتراضی سایر اقشار مردم در شهرها پیوند دهید و چون گذشته نقش برجسته و بارز خود را در شکل گیری و سازماندهی حرکتهای توده‌های در قالب تظاهرات موضعی و گسترده و مطالبه خواستهای دیکتاتیک ایفا کنید .

در نتیجه چنین حرکاتی است که دیوارهای خفقان شکاف بر خواهد داشت و زمینه فعالیتهای وسیعتر دیکتاتیک فراهم خواهد شد .

دانش آموزان پر شور و مبارز کردستان !
کردستان قهرمان شرایط ویژه‌ای دارد زیرا :

— از آغاز روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی خلق کرد این رژیم را تهدید برشته و سخت ترین مبارزات را علیه آن کرده است .

— نیروهای مدافع دیکتاسی پیگیر از پشتیبانی وسیع توده ای برخوردار هستند .

— مرتب بر نیروهای رژیم در کردستان ضربه وارد میشود .

— توده ها کینه عمیق نسبت به رژیم دارند و ...

بنا بر این مبارزات شما نیز باید شکل ویژه‌ای داشته باشد ، ضروری است که :

... از تجارب مبارزاتی گذشته خود نهایت استفاده را ببرید ، راهپیمایی عظیم دانش آموزان — سقز به مناسبت بازگشایی مدارس در سال گذشته که طی آن ۱۰۴ دانش آموز دستگیر و زندانی گردیدند ، همچنین حرکت سازمان یافته دانش آموزان سنندج به مناسبت ۲۲ ربه ندان و ۱۳ اردیبهشت (روز معلم) را بخاطر بیاورید ، و با طرح شعار : شوراهای دیکتاتیک (شورای دانش آموزان مدرسه ، شورای هماهنگی دانش آموزان مدارس ، شورای مشترک معلمان و دانش آموزان) مبارزات خود را هماهنگ و سازمان دهید .

معلمان آگاه و مبارز کردستان !

در کردستان سال تحصیلی در شرایطی آغاز میشود که تا کنون بیش از ۷۰ تن از بهترین معلمان کردستان در سنگر جنبش مقاومت خلق کرد به شهادت رسیده اند و عده‌های زیادی نیز نزدیک به دو سال است از کار بیکار و در وضعیت سخت زندگی بسر میبرند . پاسدار معلمهای جاسوس و عامل سرکوب بر محیطهای آموزشی جو خفقان و ارباب حاکم کرده اند . فرهنگ ارتجاعی و کهنه دامن زده میشود ... و

ضروری است که با ایجاد هماهنگی میان مبارزات خود و دانش آموزان زمینه بازگشت معلمان احراری و آماده بخدمت را بسرکار فراهم کنید ، پاسدار معلمها و ... را از صحنه های آموزشی بیرون برانید و با طرح شعار شوراهای دیکتاتیک (شورای معلمان مدرسه ، شورای هماهنگی معلمان مدارس ، شورای مشترک معلمان و دانش آموزان) مبارزات خود را هدایت و رهبری کنید .